

دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران

نادر ساعد^۱ و قاسم علیدوستی^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۸

چکیده

دیپلماسی دفاعی، نهادی ناظر بر کاربست اندیشه و تفکر بین رشته‌ای برای خدمت نیروهای مسلح به امنیت ملی از مجرای اقدام‌هایی است که در گذشته، منحصر به عناصر دیپلماتیک تلقی می‌گردید. بر این اساس، ایفای نقش دیپلماتیک حتی در عرصه سازمان دفاعی کشور نیز مادامی که به تعامل و ارتباطات بین نیروهای مسلح دولت‌ها شکل می‌بخشد، ممکن خواهد بود. نگرش به این تأسیس به نسبت نوین در سیاستگذاری دفاعی، تابعی از الگوهای مختلف و بسته به مقتضیات تفکر امنیت ملی ناظر بر سیاست دفاعی و خارجی کشورهاست و با مطالعه مقایسه‌ای این نگرش‌ها، می‌توان ضمن اشراف عینی و ادراک جنبه‌های کاربردی موضوع، مدیریت ملی دیپلماسی دفاعی را سازگار با مقتضیات و رهنامه کشور سامان داد. این مقاله به بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی در برخی کشورها و در نهایت، ترسیم سازه‌های مدیریت این حوزه در کشور با تفکیک مسئولیت‌ها و کنشگری‌های دخیل در این فرایند، خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی دفاعی تطبیقی، سیاست دفاعی، وزارت دفاع.

۱. استاد مدعو گروه دیپلماسی دفاعی دانشگاه مالک اشتر.

۲. مدیرکل مطالعات راهبردی وزارت دفاع و پژوهشگر مطالعات راهبردی دفاعی. این مقاله فقط دیدگاه‌های شخصی نویسندگان بوده و قابل انتساب به هیچ یک از نهادهای دولتی نمی‌باشد.

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

دیپلماسی دفاعی، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفت‌وگو و تعامل و همه‌ایزاهای غیرقهری برای پیشبرد هدف‌ها و کارویژه‌های دفاعی است که در آن، حداکثر بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت، هدف‌های ملی، مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع، دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو و چندجانبه) را تشکیل می‌دهد (ساعد، زمستان ۱۳۸۹: ۶۴). از این‌رو، این نهاد هم‌ناظر به کاربست «سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی» (انعامی علمداری، زمستان ۸۵: ۹۴) و هم‌متضمن سهم شدن دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی است.

دیپلماسی دفاعی در مفهوم سنتی آن، همکاری نظامی در زمان صلح بوده که به‌منظور تقویت اتحاد علیه دشمنان مشترک استفاده می‌شده است. پس از دهه ۱۹۹۰، تحول در روابط بین‌المللی متأثر از خاتمه جنگ سرد، کارویژه‌های این نوع دیپلماسی نیز دگرگون گردید (Cottey and Foster, 2004). تحول مفهوم امنیت پس از این دوره، مدیریت تهدیدهای فراروی دفاع ملی را نیز دگرگون نمود. پس از آن، مفهوم «دیپلماسی دفاعی» در ادبیات دفاعی - امنیتی غرب تولید گردید (Koerner, 17 May 2006). بر این اساس، مسئولیت نیروهای مسلح فقط اندیشیدن به جنگ نیست، بلکه تفکر دفاعی در خدمت تفکر ملی دائر بر توسعه و آبادانی بوده و راهگشای پیشرفت و تعالی جامعه است. دیپلماسی فقط ناظر بر روابط خارجی سیاسی نبوده، بلکه روابط دفاعی و امنیتی نیز از اساسی‌ترین ابعاد همکاری‌ها و مراودات بین‌الدولی و دولت - سازمانی پس از ۱۹۴۵ به‌ویژه پس از دهه ۱۹۹۰ می‌باشد. این مقاله به بررسی مقایسه‌ای این مفهوم و تحلیل بایسته‌ها در تعیین و توزیع مسئولیت مدیریت دیپلماسی دفاعی در کشورمان می‌پردازد.

۲-۱. ضرورت و اهمیت موضوع

دیپلماسی دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای است که امروزه به اقتضای تخصصی شدن و مدیریت کارشناسانه هر یک از این ابعاد و ارتباط اصلی آنها با کارویژه‌ها و مأموریت‌های ذاتی نهادهای مختلف دولتی، با مفاهیم متعدد و جدید مانند دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی و همچنین دیپلماسی دفاعی تبیین شده‌اند. با تمرکز بر این جنبه تخصصی و پیچیدگی امور دفاعی، حضور و مدیریت مؤثر و فعال اندیشمندان و مدیران نیروهای مسلح در حوزه روابط خارجی دفاعی ضروری شده است. طراحی ایده‌ها، پیگیری و مدون‌سازی آنها در اسناد دو و چندجانبه بین‌المللی، فکر و درایت نظامی می‌طلبد و ارتباط عمیق این پدیده‌ها با منافع حیاتی ملی، راهبری آنها در پرتو تفکر دفاعی را ناگزیر می‌سازد. از این‌رو در اغلب کشورها که دارای راهبرد دیپلماسی دفاعی هستند، دیپلمات‌های نظامی در کنار دیپلمات‌های سیاسی به مدیریت روابط خارجی وارد شده‌اند. با مطالعه این الگوها و تحلیل مدیریت ملی دیپلماسی دفاعی، می‌توان به روند تدوین اسناد راهبردی در این زمینه کمک نمود.

۳-۱. پرسش اصلی تحقیق

چه الگوهایی در زمینه تعریف و مدیریت دیپلماسی دفاعی در کشورهای مختلف وجود دارد و الگوی مطلوب برای ج.ا. ایران چه خواهد بود؟

۴-۱. فرضیه اصلی تحقیق

تعریف و مدیریت دیپلماسی دفاعی در کشورهای مختلف، متنوع و در قالب الگوهای ناهمگن بوده و هر الگو از گستره امنیت ملی و وضعیت محیط امنیتی آنها نشئت می‌گیرد. با این حال، پیروی از رویکرد دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک الگوی غالب است که ایران نیز در این زمینه یک دهه سابقه نظری و عملی دارد.

۱-۵. هدف‌های تحقیق

آگاهی و شناخت از الگوهای مختلف نظری و کاربردی سایر کشورها در زمینه دیپلماسی دفاعی، وسعت دادن به زمینه‌ها و قالب‌های شناختی و معرفتی مربوط به این مفهوم، عناصر و معیارهای آن و همچنین ترسیم کارکردی از یک الگوی مدیریت تجمیع شده و مطلوب برای کشورمان - که منطبق با اسناد بالادستی کشور- باشد، اصلی‌ترین هدف و دستاورد مورد انتظار از این تحقیق می‌باشد.

۱-۶. روش تحقیق

با در نظر گرفتن ماهیت تطبیقی مبانی نظری تحقیق، در این خصوص از روش مقایسه‌ای، و برای تحلیل چارچوب‌های الگوی مطلوب ملی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱-۷. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر مطالعه‌های مختلفی برای شناخت و تعریف دیپلماسی دفاعی و همچنین تحلیل زمینه‌ها و ابعاد آن در کشور انجام شده است که برخی از آنها به مؤلفان این مقاله مربوط می‌شود. «فصلنامه دیپلماسی دفاعی» نیز در سه شماره خود، در دو سال اخیر، بخشی از این مطالعه‌ها را منعکس نموده است. به نظر می‌رسد در کنار تولید مفهوم «دیپلماسی دفاعی تطبیقی» که ابتکار این تحقیق است، در تبیین الگوی کارکردی به مدیریت دیپلماسی دفاعی و همچنین توزیع نقش نهادهای مختلف کشور در این الگو که با تفسیر حقوقی اسناد بالادستی و جایگاه قانونی این نهادها انجام شده است، مطالعه‌ای تاکنون صورت نگرفته و این مسائل، نوآوری‌های تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.

۲. مفهوم و الگوهای دیپلماسی دفاعی

امنیت، اصلی‌ترین نگرانی دولت‌هاست^۱ و درک محیط بین‌المللی و تأثیر عناصر مستقل و وابسته، ثابت و سیال آن در سیاستگذاری راهبردی (به‌ویژه راهبردی دفاعی)، از لوازم و عناصر تأمین اطمینان‌بخش امنیت ملی است که در جهان معاصر - که متصف به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی، گسترش پدیده‌های فرامرزی و نفوذ جریان‌های متکی به جهانی‌شدن است - اهمیت آن به مراتب فزونی یافته است. در هر حال، فهم دقیق و جامع این محیط و شرایط ناظر بر ساختار و ماهیت آن، مؤلفه‌ای بی‌بدیل در تدوین و اجرای راهبردها و سیاست‌های ملی است. در این میان، استفاده از تعامل و مناسبات بین‌المللی خواه در سطح دولت‌ها و فراسوی آنها، ابزاری لازم (و هرچند ناکافی) برای صیانت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی در برابر تهدیدهای نظامی است.

ابداع مفهومی دیپلماسی دفاعی، محصول اقتباس انگلیس از مفهوم دیپلماسی عمومی و تلاش برای بسط معنا و کارکردهای آن (سال ۱۹۹۸) است. این مفهوم، با استخراج مؤلفه‌های نرمی که در دیپلماسی عمومی مورد تأکید قرار گرفته بود، آن را به بستری برای نظام‌مند نمودن شکل جدیدی از ارتباط‌های بین‌المللی متکی بر انتقال احساس، باور، فکر و رفتار از قدرت مرجع به دیگران و تولید جاذبه و کشش معنوی در میان آنها و در نهایت، به بار نشانیدن مجموعه‌ای از ایده‌ها، ارزش‌ها و غایت‌ها در ساختار اجتماعی جوامع و ملت‌های هدف، تبدیل نمود. به واقع، این مفهوم بر شبیه‌سازی و بسط دیپلماسی عمومی استوار بوده است. باید توجه داشت که واژه «دفاعی» در دیپلماسی دفاعی، ناظر بر تبیین موضوع و نه ماهیت است. منظور از دفاعی بودن این نوع دیپلماسی، دفاعی بودن^۲ موضوع آن، و نه تدافعی بودن^۳ تحرکات و

۱. البته گفته می‌شود که در جهان چندمرکزی که محصول گذار از جهان دولت‌محور است، امنیت دیگر دغدغه اصلی بازیگران جدید این جهان نخواهد بود (حسنوی و حیدری، آبان ۱۳۸۹: ۱۱).

2. Defense

3. Defensive

جهت‌گیری‌های قابل اتخاذ در قالب آن است. به واقع، دیپلماسی موردنظر، متمرکز بر مقوله‌های دفاع ملی و موضوع‌هایی است که به بخش دفاعی و نیروهای مسلح مربوط می‌شوند. این واژه، به معنای تدافعی بودن در برابر تهاجمی بودن نمی‌باشد، بلکه معادله تدافعی - تهاجمی، ناظر بر کاربست ابزارهای سخت در راستای نبرد است که دیپلماسی دفاعی با هدف جلوگیری از مخاصمه، مرحله‌ای پیش از آن را تشکیل می‌دهد و در مورد درگیری‌های واقع شده نیز بازگشت به حالت عدم مخاصمه را تعقیب می‌کند. از این‌رو، دیپلماسی دفاعی را روابط خارجی دفاعی نام نهاده‌اند (Plessis, 1 Nov 2004).

۲-۱. الگوهای مفهومی دیپلماسی دفاعی

کشورها از دیپلماسی دفاعی با هدف‌ها و انگیزه‌های مختلف و متفاوت حمایت می‌کنند: چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و اعضای غربی ناتو (آمریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا) این رهیافت را در دستورکار عملی خود قرار داده‌اند (wiki.asnwers.com). در این نوشتار، به چند نمونه به اختصاری اشاره می‌شود.

مطالعه تطبیقی و بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی نشان می‌دهد این حوزه هم مانند دیگر اجزای دیپلماسی، دارای هدف‌های اعلامی و اعمالی است. در تعیین هدف‌های اعلامی باید نهایت دقت را به عمل آورد تا کارکرد متقاعدکنندگی و جذابیت آن در قبال بخش دفاعی سایر کشورها و همچنین در قبال افکار عمومی به حداکثر برسد. این ملاحظه، در رویکرد سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است (ترابی، زمستان ۱۳۸۵: ۶۵).

(۱) انگلستان

در رهنامه نظامی انگلستان، شناسایی مفهوم «دیپلماسی دفاعی» محصول تحولات پس از جنگ سرد تلقی شده که در پرتو آن، تغییر محیط امنیتی و چندبُعدی شدن پدیدارهای منتهی به تهدید و فرصت در روابط بین‌المللی، دولت‌ها را به بازتعریف

نقش‌ها و همچنین جست‌وجوی ابزارهای نوین تأمین دفاع ملی متوجه نموده است. از این‌رو، یکی از وظایف جدید نیروهای مسلح این کشور با عنوان هدایت و مدیریت دیپلماسی دفاعی، چنین تعریف شده است: «انجام اقدام‌های مختلف توسط وزارت دفاع برای منتفی‌سازی مخاصمه‌ها، ایجاد و حفظ اعتماد و کمک در توسعه نیروهای مسلح دموکراتیک و پاسخگو که در پرتو آن، مشارکت مؤثر در پیشگیری و حل منازعه‌ها محقق شود» (UK Ministry of Defense, 2000: 2).

به واقع، اساس این وظیفه را می‌توان مسئولیت وزارت دفاع در طراحی، هدایت و مدیریت دیپلماسی دفاعی، تمرکز بر اعتمادسازی بین‌المللی به‌منظور تقلیل احتمال وقوع منازعه‌ها، پاسخگو نمودن نیروهای مسلح بر اساس رهیافت مدیریت دموکراتیک دانست (UK Ministry of Defense, 2000: 3). این مأموریت از نظر ساختاری، به سه بخش اصلی «واپایش (کنترل) تسلیحات، عدم گسترش، اعتماد و امنیت‌سازی (مأموریت نظامی ۱۶)»، «انجام اقدام‌های طراحی شده به‌منظور مشارکت در امنیت و ثبات در اروپای مرکزی و شرقی به‌ویژه روسیه و فراقفقاز و آسیای مرکزی، اما از راه برنامه‌های کمک و همکاری دوجانبه (مأموریت نظامی ۱۷)»، و «سایر اقدام‌های مشتمل بر برنامه‌های همکاری نظامی با نیروهای نظامی و جوامع دفاعی ماورای بحار (مأموریت نظامی ۱۸)»، تقسیم شده است. گفته می‌شود که طراحی این مفهوم و مأموریت‌های مبتنی بر آن، محصول تشکیل گروهی ویژه در وزارت دفاع در سال ۱۹۹۹ و همچنین مشاوره و مطالعه‌های داخلی و خارج از دولت و اتاق‌های فکر دانشگاهی و نظامی بوده است، اما مهم این است که پس از این سال، همواره دیپلماسی دفاعی به‌عنوان مأموریت و هدفی کلیدی، در برنامه‌های سالانه وزارت دفاع پیش‌بینی شده است؛ به‌گونه‌ای که صندوق کمک‌های دفاعی^۱ به‌منظور پشتیبانی از تحقق محورهای همین مأموریت، تأسیس شده است.

گستره مؤلفه‌های این مفهوم، فراتر از دفاع سرزمینی یا مقابله با تهدیدهای سخت از طریق قدرت سخت بوده و به اموری مانند زمامداری خوب، اصلاحات دموکراتیک در جامعه و نیروهای مسلح، بازنگری در روابط بخش‌های نظامی و غیرنظامی و بازسازی نیروهای پلیس و ضابطان قضایی بر اساس حاکمیت قانون (انعامی علمداری، مهر ۱۳۸۵: ۹۷-۹۶) و حتی حقوق بشر نیز که نهادها و تأسیسات امنیتی و حقوقی عصر حاضر در تفکر غرب هستند، تعمیم یافته است. گفتنی است که انگلیسی‌ها در برنامه‌ریزی کلان جهان در ۲۰۳۰ با عنوان «افق‌های راهبردی جهان در دهه ۲۰۳۰» (ساعد، فروردین ۱۳۸۶: ۲۸-۲۰) نیز مقوله دیپلماسی دفاعی را مورد تأکید قرار داده‌اند (UK White Papers, 2004).

(۲) آمریکا

بر اساس راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۲ آمریکا، ایالات متحده درگیر جنگ اندیشه‌ها و باورهاست و در این خصوص به‌منظور بهره‌گیری از جامعه بین‌المللی (برای پیروزی در این جنگ‌ها) باید به بالاترین سطح قدرت (نرم و سخت) دست یابد و در راستای زنده نگه داشتن امید و الهام آزادی، دیپلماسی عمومی مؤثری را در خصوص ترویج جریان آزاد اطلاعات و افکار به کار گیرد» (انعامی علمداری، مهر ۱۳۸۵: ۲۳).

در فرهنگ روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه آمریکا، دیپلماسی عمومی به مجموعه برنامه‌های دولت با هدف آگاهی‌رسانی یا تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای دیگر از طریق به‌کارگیری رسانه‌ها مانند کتاب، تصاویر، برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، فیلم، اینترنت، مبادله‌های فرهنگی و نظایر آن اطلاق می‌شود. در این رابطه، سه هدف عمده کاربردی مدنظر خواهد بود: «ایجاد جوّی اعتمادی ملل نسبت به حکومت‌ها و تصمیم‌گیران حکومتی خود» (انعامی علمداری، مهر ۸۵: ۲۵) و از این طریق، ایجاد اختلال در نظام مدیریت عادی جامعه، «ایجاد اطمینان و اعتماد برای خود میان ملل دیگر و گنجاندن ارزش‌ها و آرمان‌های بیگانه به جای آرمان‌های خود و سستی

آنها»، و در نهایت، «ایجاد تمایل‌های رفتاری بنیادبرافکن و جهت‌دهنده به‌منظور تغییر ساختارهای سیاسی و حکومتی متناسب با الگوهای القایی قدرتی که مدیریت این صحنه دیپلماسی عمومی را در اختیار گرفته است».

در کشورهایمانند آمریکا که همه کارکردها و مأموریت‌های دولتی در پرتو منافع ملی حیاتی، تفسیر و تعیین می‌شوند، موقعیت دیپلماسی دفاعی از حیث قرارگیری در هسته یا پیرامون سیاست امنیت ملی، به شکل منعطف و تابعی از وضعیت محیط امنیتی است. «در شرایطی که دیپلماسی دفاعی فعال می‌شود، می‌توان نشانه‌های نظامی شدن سیاست خارجی را ملاحظه کرد. در این روند، مقام‌های نظامی، نقش مؤثرتری در حوزه سیاست خارجی پیدا می‌شوند» (متقی، پاییز ۱۳۸۹: ۴۳).^۱ از سوی دیگر، دیپلمات‌ها و تصمیم‌گیران سیاست خارجی نیز این تقدم و اولویت را درک نموده و هم‌آوا و در راستای آن اقدام می‌کنند. به عبارتی «مقام‌های سیاسی و غیرنظامی نیز علاقه بیشتری به ابزارها و فرایندهای نظامی پیدا می‌کنند» (متقی، پاییز ۱۳۸۹: ۴۳).

در رویه سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا، جایگاه دیپلماسی دفاعی بسته به موقعیت وزارت دفاع در برابر وزارت امور خارجه بوده است. در دوره بوش پسر به‌بهانه وقوع حوادث یازده سپتامبر، سیاست خارجی این کشور نظامی شد (پورحسن، مهر ۸۵: ۱۴) و بر همین اساس، با غلبه وزارت دفاع بر جایگاه و تأثیرگذاری تعیین‌کننده سابق وزارت امور خارجه در حوزه روابط خارجی، نه تنها «در کارکنان وزارت امور خارجه از نیروهای

۱. با این حال، برخلاف ادعای فوق که «در شرایط فعال شدن دیپلماسی دفاعی، می‌توان نشانه‌های نظامی شدن سیاست خارجی را ملاحظه کرد»، فعال شدن دیپلماسی دفاعی موجب برجسته شدن ظرفیت‌های بخش دفاعی در تأمین آن دسته از منابع امنیتی می‌شود که با صرف مذاکره و تعامل میان بخش‌های غیرنظامی و سیاسی قابل تحقق نیست. در این روند، به جای آنکه مقام‌های نظامی جای مأموران سیاسی را بگیرند، مدیریت محوری تنها یک بخش از سیاست خارجی کشور را که ناظر بر دفاع ملی است، برعهده می‌گیرند و از این طریق به تکمیل و تقویت سیاست خارجی می‌پردازند. پس، دیپلمات‌ها و تصمیم‌گیران سیاست خارجی نیز این تقسیم تخصصی کاری را باید درک نموده و در همان راستا اقدام کنند.

وابسته به تفکر نومحافظه‌کار استفاده جدی شد» (پورحسین، مهر ۱۳۸۵: ۱۵-۱۴)، بلکه اقدام نظامی و پیشدستانه، اساس دیپلماسی این کشور را تشکیل داد.

در مجموع، پاسخگویی در قبال سیاست خارجی آمریکا بر عهده وزیر امور خارجه است، اما وزیر دفاع بر تصمیم‌های مربوط به سیاست دفاعی این کشور نظارت دارد. (عسگری، دی ۱۳۸۵: ۲۷) از این رو، طرح‌ریزی دیپلماسی دفاعی باید با همکاری این دو نهاد انجام شود، اما شیوه اجرایی‌سازی این همکاری بسته به دوران‌های مختلف و سطح مناسبات این دو نهاد در مجموعه سیاست مورد نظر رئیس جمهور، متفاوت بوده است. دولت جدید آمریکا برای نجات دادن سیاست این کشور از جمله در حوزه دفاعی و دیپلماسی عمومی، همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه خود را با سایر کشورها در حوزه‌های دفاعی در دو ساله ۲۰۱۱-۲۰۰۹ تشدید نموده و در صورت عدم تغییر در ریاست جمهوری، این روند را در سال آینده نیز ادامه خواهد داد.

(۳) کانادا

وزارت دفاع کانادا، برنامه آموزش و همکاری نظامی را به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی دیپلماسی دفاعی به‌منظور مشارکت این کشور در صلح و امنیت بین‌المللی مورد تأکید قرار داده است (www.forces.gc.ca/admpol/mtcp-eng.html). وزیر دفاع نیز در پیامی که به نام خود در وب‌گاه این وزارتخانه قرار داده، یکی از اولویت‌های بخش دفاعی کانادا را تقویت دیپلماسی دفاعی بیان نموده و آن را در راستای برنامه‌های ملی این کشور اعلام کرده است (www.tbs-sct.gc.ca/rpp/2010-2011/inst/dnd/dnd01-eng.asp).

هرچند، قالب و شالوده معنایی و ساختاری آن را ارائه نموده است.

در هر حال، مسئله این است که وزارت دفاع این کشور نیز مانند اغلب دیگر کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی، فرصت‌های مبتنی بر این تأسیس دفاعی را درک نموده و برای به فعلیت درآوردن ظرفیت‌های آن، برنامه‌ریزی نموده است.

(۴) سنگاپور

وزارت دفاع سنگاپور نیز ضمن تقبل مسئولیت مدیریت و اجرای دیپلماسی دفاعی، محتوای آن را آموزش و تمرین‌های مستمر با سایر کشورها، دسترسی به پایگاه‌های سایر کشورهای همسایه به‌منظور کسب قدرت رزمایش در دفاع هوایی و زمینی، بازدیدهای متقابل نظامی و تبادل کارشناسان، انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه همکاری دفاعی و همچنین انعکاس قدرت حرفه‌ای خود برای تقلیل هرگونه احتمال وقوع منازعه تعریف نموده است (www.SDF.org/defencediplomacy.htm).

در خصوص محتوای کاربردی دیپلماسی دفاعی می‌توان مواردی مانند برگزاری دوره‌های آموزشی درون بخش دفاعی و خارج از آن، طراحی دوره‌های تخصصی آموزش دیپلماسی دفاعی در داخل و خارج از نیروهای مسلح، برگزاری رزمایش‌ها و بازدیدهای مشترک از مراکز نظامی در سطوح دو و چندجانبه، تبادل کارشناسان نظامی و غیرنظامی بخش دفاعی را به‌عنوان تمثیلی در پرتو مطالعه تطبیقی نظامی نام برد. بر این اساس است که در کنار دیپلماسی به‌مثابه نظام‌مندسازی تعامل‌های بین‌الدولی و پرهیز از تنش، «دیپلماسی دفاعی» به‌مثابه مجاری طراحی و سهیم‌سازی اولویت تأمین دفاع ملی در تنظیم سطح و عمق روابط خارجی، پدیدار شده و از سال‌های آخر قرن بیستم تاکنون در کارویژه‌های وزارت دفاع اغلب دولت‌ها تعریف و تبیین گردیده است.

۲-۲. رابطه دیپلماسی دفاعی و دیپلماسی نظامی

دیپلماسی نظامی، در برابر دیپلماسی غیرنظامی (کشوری) و ناظر بر بهره‌گیری از قدرت نظامی به‌منظور تأمین نیازها و هدف‌های ملی در مواردی است که این نیازها و هدف‌ها از راه‌های دیگر قابل تأمین نباشد. نظر به اینکه محور این دیپلماسی، به‌کارگیری زور است، زمان به جریان افتادن آن نیز بیشتر در مواقع جنگی خواهد بود. (www.e-dipcourse.diplomacy.universityofqaran.com)

تفاوت دیپلماسی نظامی با دیپلماسی دفاعی در این است که دیپلماسی دفاعی به‌کارگیری آگاهانه منابع مختلف از طیف دفاعی به‌منظور دستیابی به نتایج مثبت در توسعه روابط دو و چندجانبه است، در حالی که دیپلماسی نظامی، تنها جزیی از این طیف بوده و به نقش وابستگان نظامی و اقدام‌های آنها محدود است. همچنین دیپلماسی دفاعی، ناظر بر عملیات نظامی نیست، بلکه بر پیشگیری یا توقف عملیات نظامی متمرکز است، به‌عکس، محور دیپلماسی نظامی را عملیات نظامی تشکیل می‌دهد (1) (wiki.answers.com). تفاوت سوم در این است که دیپلماسی نظامی، توسط وابستگان نظامی (با مأموریت‌های سخت‌افزاری) به اجرا در می‌آید، ولی دیپلماسی دفاعی را وابستگان دفاعی دارای تفکر و اندیشه‌های نرم‌افزاری - سخت‌افزاری، مدیریت و اجرا می‌نمایند. بنابراین، دیپلماسی دفاعی کاربرد صلح‌آمیز منابع مختلف دفاعی (2) (wiki.answers.com) با هدف ایجاد یا گسترش تفاهم و تعامل با نیروهای مسلح و تصمیم‌گیران راهبردی سایر کشورها با انگیزه محوری پیشگیری، تقلیل یا توقف منازعه است.

۳. معیارهای دسته‌بندی دیپلماسی دفاعی

برای مقایسه رویکرد کشورهای مختلف نسبت به دیپلماسی دفاعی، می‌توان ابعاد و زوایای مهم این نهاد را حول محورهای «تدوین یا شفاهی بودن دیپلماسی دفاعی، متمرکز یا غیرمتمرکز بودن مدیریت این عرصه در سطح ملی از منظر نهادها و سازمان‌های دخیل در آن، صریح یا تلویحی بودن شناسایی این نهاد و استفاده از آن در ادبیات راهبردی ملی، نوع متولیان و هدایت‌کنندگان این عرصه از منظر نظامی یا غیرنظامی بودن»، مورد تحلیل و تطبیق قرار داد.

۳-۱. دیپلماسی دفاعی مدون و غیرمدون

دیپلماسی دفاعی در یک دهه و نیم از عمر خود، رشد قابل توجهی نموده و به نهادی قوام یافته و معنادار در ادبیات راهبردی تبدیل شده است، اما هنوز کشورهایی که راهبردی مدون و نوشته در این عرصه تصویب نموده‌اند، معدود و انگشت‌شمارند. البته نحوه تدوین نیز دو وضعیت متفاوت دارد: برخی کشورها، به دیپلماسی دفاعی در قالب یک سند راهبردی کلان یا سندی ویژه در رابطه با دیپلماسی دفاعی پرداخته‌اند، ولی با وجود این، اغلب کشورهایی که اهمیت و منزلت دیپلماسی دفاعی را درک کرده و برای آن در سیاست امنیت ملی خود اولویت قائل شده‌اند، هنوز نسبت به تدوین سندی برای دیپلماسی دفاعی ملی خود اقدام نکرده‌اند. در این رابطه، کانادا و انگلیس از معدود کشورهای دسته اول محسوب می‌شوند. در این موارد، افزون بر مدون نمودن سند راهبردی دیپلماسی دفاعی، مأموریت‌ها و شرح وظایف نهادهای مسئول در این رابطه را نیز به شکل کلی، تعریف و مشخص نموده‌اند. در این معیار، کشورمان جزو دسته کشورهای داری دیپلماسی دفاعی غیرمدون می‌باشد. البته در یک دهه اخیر (از زمان مدیریت دریابان شمخانی بر وزارت دفاع) و همچنین در سال‌های اخیر، اقدام‌های وسیعی به منظور تدوین سند دیپلماسی دفاعی ملی در وزارت دفاع و ستادکل نیروهای مسلح انجام شده است، اما هنوز سند رسمی و ملی در این خصوص به تصویب شورای عالی امنیت ملی - که مرجع تعیین سیاست‌های دفاعی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی ابلاغی فرماندهی کل قوا می‌باشد- نرسیده است و در مجموعه نهادهای دفاعی کشور نیز کماکان بررسی زوایا و ابعاد مختلف دیپلماسی دفاعی ادامه دارد. برای مثال، وزارت دفاع در اواخر سال ۱۳۸۹ ضمن تأسیس مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی، مأموریت ویژه آن مرکز را تلاش برای فراهم‌سازی و انجام مطالعات مرتبط با تدوین سند دیپلماسی دفاعی کشور معرفی کرده است. این مرکز با انتشار فصلنامه‌ای با عنوان «دیپلماسی دفاعی»، بخشی از مطالعه‌های انجام شده در این رابطه را منتشر نموده است.

جدول شماره ۱. معیار تدوین در بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی

ردیف	نام کشور	دیپلماسی دفاعی مدون عام	دیپلماسی دفاعی مدون ویژه	دیپلماسی دفاعی غیرمدون
۱	کانادا		*	
۲	چین			*
۳	فرانسه			*
۴	روسیه			*
۵	آمریکا	*		
۶	سنگاپور	*		
۷	ترکیه			*
۸	کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس			*
۹	انگلیس	*		
۱۰	ایران			*

۲-۳. دیپلماسی دفاعی متمرکز و غیرمتمرکز

برای مدیریت دیپلماسی دفاعی، به‌ویژه در کشورهایی که دارای سند مدون در این رابطه هستند، تمرکز در بررسی، طرح‌ریزی، هدایت، و به سرانجام رساندن محورهای مختلف دیپلماسی دفاعی از مرحله سیاستگذاری تا اقدام‌های عملیاتی و حتی راهکنشی (تاکتیکی) دارای اهمیت می‌باشد. از این‌رو، نهادی به‌عنوان متولی و مسئول مدیریت این عرصه تعیین شده است و از پراکندگی و تلاش‌های ملی متفرق در این رابطه جلوگیری می‌شود. نمونه این خط‌مشی، مأموریت‌های تعریف شده برای وزارت دفاع انگلستان است، اما در اغلب کشورها هنوز این تمرکز حاصل نشده و همه نهادهایی که مرتبط با دفاع یا دیپلماسی هستند، در تلاشند تا سهمی در این رابطه ایفا نمایند. از این‌رو، مجموعه‌ای پراکنده از اقدام‌ها، رویکردها، اسناد، برنامه‌ها، مواضع، تلاش‌ها و ... در این رابطه وجود دارند.

در ج.ا.ایران با اینکه اقدام‌های وزینی برای متمرکز نمودن دیپلماسی دفاعی و مدیریت عملی آن در کشور به عمل آمده است و با اینکه سیاستگذاری در این رابطه مورد توجه شورای عالی امنیت ملی قرار دارد، به‌دلیل عدم تدوین سندی ویژه به این منظور، هنوز تمرکز

در مدیریت عملی این عرصه ایجاد نشده و مجموعه‌ای از نهادهای دولتی در داخل و خارج نیروهای مسلح، در این رابطه، توقع مسئولیت و توزیع مأموریت دارند.

جدول شماره ۲. معیار تمرکز در بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی

ردیف	نام کشور	دیپلماسی دفاعی متمرکز	دیپلماسی غیرمتمرکز
۱	کانادا	*	
۲	چین	*	
۳	فرانسه	*	
۴	روسیه		*
۵	امریکا	*	
۶	سنگاپور	*	
۷	ترکیه		*
۸	کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس		*
۹	انگلیس	*	
۱۰	ایران		*

۳-۳. دیپلماسی دفاعی صریح و ضمنی

برخی کشورها مانند کشورمان، در ادبیات راهبردی خود به شکل صریح نسبت به درک دیپلماسی دفاعی و جایگاه آن در هدایت امور امنیت ملی، اذعان داشته و در مورد داشتن خط‌مشی مبتنی بر آن نیز صراحت را در موضع‌گیری‌های ملی به اوج رسانده‌اند. به واقع، افزایش تأکید بر دیپلماسی دفاعی، رابطه‌ای مستقیم با افزایش تهدیدهای درحال ظهور در محیط امنیتی خارجی دارد. نظر به اینکه دیپلماسی دفاعی باید با ایجاد اعتماد و تفاهم میان بخش‌های دفاعی و انتقال این تفاهم به حوزه‌های سیاسی تصمیم‌گیری ملی، مانع از بروز مخاصمه شود، هر میزان که احتمال وقوع مخاصمه بیشتر شود، استفاده از این مجرا نیز بیشتر خواهد شد. البته مسئله محدود به تهدیدهای خارجی به حمله نیست، بلکه ایجاد مقبولیت برای قدرت خودی نیز به همان میزان حائز اهمیت است.

در سال‌های اخیر، هر گاه نمایش اقتدار دفاعی و موشکی کشورمان موجب ایجاد فضای تغییر در محیط امنیتی منطقه‌ای شده است، از اشاره‌های مکرر به دیپلماسی دفاعی و اقدام‌های مبتنی بر آن، برای ایجاد مقبولیت و مشروعیت منطقه‌ای قدرت دفاعی کشور استفاده شده است.

با این حال، کشورهایی که این چنین نسبت به دیپلماسی دفاعی موضع‌گیری صریح داشته باشند، چندان زیاد نیستند. اغلب کشورهایی که دارای اولویت توسعه اقتصادی هستند، نسبت به درک کارویژه و فواید این دیپلماسی غافلند و از این رو، این مفهوم در ادبیات راهبردی و مواضع صریح آنها چندان جایگاهی ندارد.

جدول شماره ۳. معیار تصریح در بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی

ردیف	نام کشور	دیپلماسی دفاعی صریح	دیپلماسی دفاعی غیرصریح
۱	کانادا	*	
۲	چین		*
۳	فرانسه		*
۴	روسیه	*	
۵	آمریکا	*	
۶	سنگاپور	*	
۷	ترکیه		*
۸	کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس		*
۹	انگلیس	*	
۱۰	ایران	*	

۳-۴. متولیان و ساختارهای مدیریت ملی دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی دفاعی، عرصه‌ای است که در آن افزون بر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی نظامی از یک سو و بخش‌های غیردولتی از سوی دیگر نیز به ایفای نقش پرداخته‌اند.

بازیگران دیپلماسی دفاعی را بخش‌هایی دولتی به‌عنوان متولی و بخش‌هایی غیردولتی به عنوان شرکا تشکیل می‌دهند. حضور بخش‌های دولتی به‌عنوان متولی، امری قهری و نتیجه توجیه دولت‌ها به امور حاکمیتی‌شان است، اما میزان مشارکت بخش‌های غیردولتی در طرح‌ریزی و مدیریت این عرصه، تابعی از فرهنگ راهبردی، چرخه دانش دفاعی و میزان توسعه‌یافتگی اتاق‌های فکر دفاعی خواهد بود.

مسئله اصلی در هدایت دیپلماسی دفاعی، دامنه متولیان آن و ساختارهای لشکری و کشوری مسئول در این رابطه است. تعیین نهاد مسئول، امری است که در قوانین و مقررات کشورها به آن اشاره شده است. در خصوص متولیان دولتی، حضور نیروهای مسلح و ساختارهای نظامی کشورها در این رابطه محسوس و برجسته است و مدیریت اصلی این حوزه را نیز نیروهای مسلح برعهده دارند. دیپلماسی دفاعی در صورتی که کارساز باشد، نیاز و فعلیت جنگ را از طریق روش‌های غیرقهری نظامی، تأخیر و عقب‌تر می‌اندازد. چنین نقشی، فراتر از کارویژه‌های سنتی نیروهای مسلح و تعریفی است که از «دفاع» به عمل آمده است. حداقل نوآوری این تأسیس سیاسی، دفاعی و امنیتی، به همین نکته مربوط می‌گردد.

بر این اساس، دیپلماسی، محور و مرکز ثقل است و دفاع تنها ماهیت ابزاری دارد. از این‌رو، چیستی و چرایی و همچنین چگونگی ایفای نقش دفاع و زمانبندی آن در خدمت‌رسانی به تحقق هدف‌های ملی را سیاست و دیپلماسی تعیین می‌کند. به تعبیر دیگر، نهاد سیاست دفاعی تنها متأثر از آموزه‌ها و تدابیر سیاست خارجی معنا می‌شود. البته از گذشته تا پیش از دهه اخیر، مراتب بر همین روال بوده، نقش نیروهای نظامی در دستگاه سیاست خارجی نیز به شکل فرعی و حاشیه‌ای، در حد وابسته نظامی، آن هم تحت مدیریت دیپلمات‌ها بوده است. امروزه برای مدیریت دیپلماسی دفاعی، از وابستگان دفاعی استفاده می‌شود. برای مثال، در حوزه روابط خارجی و ساختار نظامی و سیاسی آمریکا (Shea, 2011) و همچنین کانادا، (www.canadainternational.gc.ca) از وابستگان دفاعی

استفاده می‌شود. حتی در برخی دوره‌های حکومتی، متولیان امور دفاعی و امنیتی در بین کارکنان وزارت امور خارجه این کشورها نیز با تصمیم وزیر دفاع تعیین شده‌اند.

جدول شماره ۴. معیار متولی در بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی

ردیف	نام کشور	متولی لشکری	متولی کشوری	ظرفیت‌های مدیریت مشترک
۱	کانادا	*		
۲	چین	*		
۳	فرانسه	*		
۴	روسیه	*		*
۵	امریکا	*		*
۶	سنگاپور	*		
۷	ترکیه	*		
۸	کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس		*	
۹	انگلیس	*		
۱۰	ایران	*		*

نکته دیگر در این رابطه، تعمیم دیپلماسی دفاعی دولتی به سازمان‌های نظامی بین‌المللی است. امروزه افزون بر دولت‌ها که به شکل سنتی نسبت به روابط خارجی خود و بهره‌گیری از دیپلماسی به منظور تأمین امنیت ملی حساس بوده‌اند، برخی سازمان‌های نظامی بین‌المللی مانند ناتو نیز از این خط‌مشی‌ها تبعیت نموده و در کنار دیپلماسی دفاعی دولت‌های عضو، نسبت به تدوین دیپلماسی دفاعی خاص خود این سازمان نیز اقدام نموده‌اند.

جدول شماره ۵. معیار بازیگر در بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی دفاعی

ردیف	نام سازمان نظامی	دیپلماسی دفاعی مدون	دیپلماسی دفاعی غیر مدون	دیپلماسی دفاعی متمرکز	دیپلماسی دفاعی صریح
۱	ناتو	*		*	*
۲	اتحادیه اروپا	*		*	*
۳	سازمان همکاری شانگهای		*		*

۴. مدیریت دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران

شناسایی دیپلماسی دفاعی، به‌عنوان نهادی تأثیرگذار بر حوزه روابط خارجی و همچنین بر مقوله‌های مرتبط با تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و دخیل نمودن آن در سیاست‌های امنیت ملی، یک دهه سابقه دارد. این درک اهمیت و توجه کاربردی، حاصل نرم‌افزاری شدن مؤلفه‌های سیاست دفاعی و تأثیرگذاری ابتکار عمل‌های مقام‌های عالی نظامی است که مسیر تحول این سیاست‌ها از سخت‌افزاری محض به سخت-نرم‌افزاری هموار نموده‌اند. با این حال، هنوز این گشایش‌های اداری و شکل‌گیری تفکر دفاعی نرم، به استقرار سازمان و ساختاری روشن و هم‌افزا در مدیریت ملی این عرصه منجر نشده است. در ادامه، به این دو مقوله پرداخته خواهد شد.

۴-۱. گونه شناسی اجمالی سیر تحول ملی راهبرد دفاعی

رهنامه دفاعی، تابعی از شرایط و وضعیت مؤلفه‌های عمده دخیل در امنیت ملی است و از این‌رو، متناسب با نوع تهدیدها و سطح اقتدار ملی، نوع رهنامه‌ها نیز تغییرپذیر می‌گردند. در مورد کشورمان، وضعیت تهدیدهای علیه تمامیت ارضی در شرایط وقوع جنگ تحمیلی-همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی- و پس از خاتمه جنگ و در پایه سه‌الگوی حفظ محور، بسط‌محور و رشد‌محور در سیاست کلان امنیت ملی کشور (ولی‌پور، اردیبهشت ۱۳۸۳: ۲۹-۲۴)، به دو گونه کلی، «دفاع همتراز (همگون)» و «ناهمتراز (ناهمگون)» تقسیم‌بندی شده است (عسگری، آبان ۱۳۸۶: ۸-۹).

۴-۱-۱. رهنامه دفاع همتراز (دیپلماسی نظامی)

هسته مرکزی این رهنامه، دفع تجاوز بود (عسگری، آبان ۱۳۸۶: ۸)؛ تجاویزی که در آستانه شکل‌گیری نظام سیاسی جدید و با وجود مشکلات و نابسامانی در ساختار و هماهنگی

نیروهای مسلح ملی و نقصان در آمادگی کامل برای دفاع از کشور در برابر هجوم خارجی، توسط رژیم بعث به انجام رسیده بود.

دوره حیات این رهنامه، دوره هشت ساله دفاع مقدس بود؛ دوره‌ای که با متوقف ساختن تجاوز و همچنین تنبیه متجاوز خاتمه یافت. در این دوره، مناسبات دیپلماتیک کشور در حوزه غیرنظامی و همچنین نظامی بود. تلاش دیپلماسی نظامی بر تأمین تسلیحات و آماد و پشتیبانی رزمندگان در طول جنگ متمرکز شد و نوع سیاستگذاری‌های جهانی حاکم بر شرایط آن زمان و ادراکی که کشورمان از قرار گرفتن مجموعه‌ای از کشورها در برابر کشورمان و در حمایت از رژیم بعث داشت، زمینه‌ای برای تأمل در طرح‌ریزی برنامه‌هایی متکی به اعتمادسازی و اعتماد کردن به بازیگران بین‌المللی باقی نگذاشته بود. ضمن اینکه، در این مقطع زمانی، تلاش اغلب کشورها هم معطوف به دیپلماسی نظامی (و نه دفاعی) بود.

۲-۱-۴. رهنامه دفاع ناهم‌تراز (دیپلماسی دفاعی)

با خاتمه جنگ تحمیلی و استمرار خصومت قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا با کشورمان، وضعیت تهدید مقطعی جنگ تحمیلی، به تهدیدی دامنه‌دار و بلندمدت تغییر چهره داد؛ تهدیدی که در آن، عراق که ستون اول جنگ تحمیلی بود، جای خود را به دولت‌هایی داد که در پشت صحنه این جنگ، علیه کشورمان با یکدیگر همکاری‌های همه‌جانبه نظامی و سیاسی داشتند. از این‌رو، با خاتمه جنگ، تصور تهدید و جدیت آن همواره در صدر سیاستگذاری‌های امنیت ملی از جمله دفاعی کشور قرار داشته است.

متناسب با این سیاستگذاری است که رهیافت «دفاع همه‌جانبه» ارائه و رهنامه دفاعی کشور نیز بر همین اساس، به دفاع بازدارنده یا دفاع هم‌زمان هم‌تراز - ناهم‌تراز (یا همگون - ناهمگون) سوق یافته است. در این رویکرد، همه توانمندی‌ها و اقتدار ملی به‌منظور مقابله با هرگونه تهاجم خارجی از سوی هر بازیگری، به‌کارگیری خواهد شد

و در این راستا دو عنصر مهم مورد توجه قرار گرفته است که یکی ایجاد توانمندی‌های دفاعی مؤثر نرم و سخت به منظور ممانعت از وقوع تهاجم خارجی (ظرفیت‌سازی ملی و تقویت قدرت ملی) و دیگری، ایجاد آمادگی کامل برای ایفای این نقش، و سرکوب قاطع هرگونه تجاوز احتمالی یا توقف سریع تجاوز با کمترین فاصله از وقوع آن می‌باشد. «بازدارندگی، بازدارندگی فعال، تنش‌زدایی و اعتمادسازی، دیپلماسی دفاعی و ...» در چارچوب همین رهنامه جای می‌گیرند» (عسگری، آبان ۱۳۸۶: ۹).

در دوره مسئولیت دریابان شمنخانی در مدیریت وزارت دفاع است که با درایت و اشراف ایشان بر جنبه‌های نرم‌افزاری قابل استفاده در محیط امنیتی جدید بین‌المللی، مفهوم دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای امنیت و دفاع ملی مطرح و در ادبیات راهبردی کشور وارد می‌شود؛ اقدامی که با پیگیری آن در برنامه اعلامی سردار وحیدی به مجلس شورای اسلامی و در فرایند عملیاتی شدن در محیط منطقه‌ای، (تیلا، بهار ۱۳۹۰: ۵۰-۴۹ و وحیدی، ۱۳۸۸) همین نهاد را به مقوله‌ای مهم از ادبیات دفاعی و راهبردی منطقه تبدیل نمود. دیپلماسی دفاعی در رهیافت ایرانی، خاتمه بخشیدن به همه ابعاد استعمار و تحکیم برایندهای تحول در روابط بین‌المللی است که در آن، همه دولت‌ها و ملت‌ها نیازمند امنیت بوده و باید در طراحی الگوی امنیت همگانی و صیانت از آن نقش داشته باشند. در این میان، دیپلماسی دفاعی دوجانبه و همچنین چندجانبه محدود که از طریق انعقاد موافقتنامه‌های همکاری و شکل‌گیری سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای نمودار می‌گردد، شالوده‌های امنیت و دفاع مشترک هستند.

بهره‌گیری کشورمان از دیپلماسی دفاعی در واقع پاسخی به تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است و البته افزون بر جنبه‌های سلبی، از ابعاد ایجابی و کنشی نیز برخوردار است. به تعبیر سردار وحیدی، وزیر دفاع، «دیپلماسی دفاعی به‌عنوان تقویت بخشی از تلاش‌های بخش دفاع در حوزه روبنایی در بازسازی بنیه دفاعی کشور محسوب می‌شود» (وحیدی، ۱۳۸۸) که به‌عنوان یک مفهوم

جدید در نظام ج.ا.ایران مورد استفاده قرار گرفته و در تدوین رهنامه دفاع و امنیت ملی بر آن تأکید شده است. هر چند هنوز سندی مدون در این رابطه تنظیم نشده است، اما اقدام‌های متعدد کارشناسی و مطالعاتی در اتاق‌های فکر دفاعی کشور به این منظور به انجام رسیده که امید است به تسریع در روند تصویب این سند منجر گردد و مطالعات تطبیقی و الگوهای موجود در سایر کشورها نیز به تعمیق این مطالعات و بنیه‌های علمی مربوط به آن کمک نماید.

۲-۴. متولیان دیپلماسی دفاعی: یک الگوی کارکردشناختی

در بررسی متولیان دیپلماسی دفاعی در کشور، دو نکته مهم وجود دارد: نخست اینکه مرز تقسیم مسئولیت‌ها میان ارکان سیاسی و نظامی کشور در این رابطه، چگونه و تا چه حد موجب تفکیک این ارکان در مدیریت دیپلماسی دفاعی می‌شود و دوم اینکه با استقرار بایسته مدیریت این عرصه در نیروهای مسلح، چه ارکانی از سازمان دفاعی کشور این مسئولیت را عهده‌دار خواهند بود.

همان‌گونه که اشاره شد، دیپلماسی دفاعی، متمرکز بر همکاری، تعامل و استفاده از ظرفیت‌های دفاعی (اعم از نظامی و غیر آن) با بهره‌گیری از روابط خارجی است. در این رابطه، چهار عنصر «محتوایی» (دیپلماسی دفاعی، ابزار و مجرای برای به جریان انداختن مرادفات و تنظیم ارتباط‌های دفاعی میان نیروهای مسلح است)، «غایی و هدف‌شناختی» (دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری برای کمک به مأموریت‌های نیروهای مسلح در راستای صیانت از تمامیت ارضی - و در نتیجه، تأمین منافع امنیت ملی است) و «محیطی» (نظام کنشگری در دیپلماسی دفاعی، در بهینه بین‌المللی و در سطح روابط خارجی نیروهای مسلح با نیروهای مسلح سایر کشورها شکل می‌گیرد. تأثیر این نظام کنشگری از طریق نیروهای مسلح و حوزه لشکری، به نظام تصمیم‌گیری ملی کشورهای مخاطب منتقل می‌گردد و به تولید امنیت و تحقق

مؤلفه‌های امنیت ملی می‌انجامد)، به طور همزمان دخیل هستند. افزون بر این موارد، مسئله ابزار و روش‌شناسی نیز نقش مهمی دارد. از این منظر، دیپلماسی دفاعی با پیوند زدن قدرت نرم دفاعی به قدرت سخت، از تجمیع آنها برای ایجاد فضای تعامل و همکاری‌های دوسویه و متقابل یا ایجاد، تقویت، سازماندهی و تنظیم وضعیت‌های مناسب ملی - که البته، سازگار با منافع طرف‌های دیگر این ارتباط‌ها به نظر برسد - بهره می‌گیرد.

ساماندهی به وضعیت مدیریت و راهبری دیپلماسی دفاعی در کشور، امری آشکار و غیرقابل تردید است. برای سامان دادن به این حوزه از منظر سازماندهی و مدیریت، به نظر می‌رسد بهتر است هدایت دیپلماسی دفاعی به معنی اجرا و تمهید برنامه اقدام در این رابطه، در وزارت دفاع مستقر گردد. این رویکرد، دارای استدلال‌های توجیهی به شرح زیر است:

(۱) معیار محتوایی و محیطی

دیپلماسی دفاعی تا زمانی قادر است در خدمت امنیت ملی باشد که محتوای آن بر اساس نیازهای دفاعی کشور و برآورد نیروهای مسلح از تهدیدها و اقتدار موجود و افق‌های دفاع منطقه‌ای و شرایط متحول دفاعی و نظامی در محیط پیرامونی باشد. نظر به اینکه ساماندهی هرگونه اقدام راهبردی در این خصوص منوط به اتکای ملی به برآوردهای کارشناسی و داده‌های متقن تحصیل شده از سازوکارهای اطلاعاتی نیروهای مسلح و حوزه‌های اطلاعات و عملیات نیروها می‌باشد، موتور محرکه دیپلماسی دفاعی بسته به داده‌ها و نیازسنجی‌هایی است که تنها وزارت دفاع - به‌عنوان نماینده نیروهای مسلح - بر آنها اشراف داشته و ساختارهای غیرنظامی، امکان و صلاحیت ورود به این عرصه به‌عنوان مدیریت و راهبری را ندارند.

(۲) معیار کارویژه و غایت

از این منظر نیز دیپلماسی دفاعی از زمره ابزارهای دفاعی در خدمت نیروهای مسلح است که به منظور ایجاد اعتمادسازی، تأمین فناوری دفاعی و ایجاد تشکیلات و ساختارهای دفاعی متقابل به کارگیری می‌شود. تفاهم‌نامه‌های دفاعی، به عنوان محوری از این دیپلماسی، نه تنها برای ارتقا و تقویت توانمندی‌های سخت‌افزاری نیروهای مسلح منعقد می‌گردند، بلکه در راستای صادرات اقلام دفاعی تولیدی بومی، افزایش سرانه تولید ناخالص ملی، و ارتقای نقدینگی و بودجه دفاعی کشور و همچنین برای افزایش بازدارندگی مؤثر و مقتدرانه‌ای که موجب پرهیز از مخاصمه؛ هم بر مبنای انتقال قدرت ملی و هم اعتمادسازی و همکاری‌های متقابل است. وزارت دفاع، مرجع قانونی انعقاد این موافقتنامه‌ها و پیگیری و مدیریت این سطوح دیپلماسی دفاعی است و در یک دهه اخیر، این امر را تجربه نموده است.

(۳) معیار موضوعی

موضوع‌های دیپلماسی دفاعی نیز در همه سطوح دوجانبه یا چندجانبه، ناظر بر تبادل اطلاعات، برآوردها، نقطه‌نظرات و ایده‌های دفاعی است که طرفین اصلی و عینی این ارتباطها، نیروهای مسلح هستند. با مذاکره‌های سیاسی و از راه نهادهای غیردفاعی نمی‌توان مبادله‌های نظامی را محقق نمود یا انجام رزمایش، تبادل کارشناس نظامی، آموزش دفاعی مشترک، طرح‌ریزی‌های مشترک دفاعی و امنیتی، تشکیل سازمان‌های دفاع منطقه‌ای، تشکیل کارگروه‌های مشترک موقت یا دائمی دفاعی، همگرایی و ایجاد گروه‌های همفکر برای هدایت دستورکارهای دفاعی نهادهای بین‌المللی و نظایر آن را تحقق بخشید. موضوع‌های دیپلماسی دفاعی، موضوع‌هایی هستند که هم از نظر تخصصی و اطلاعاتی و هم نحوه طرح ایده‌ها و ادبیات موضوع و نتایج عینی که از آنها ممکن است به سود کشور یا ضرر آن تمام شود، امری نیست که توسط نهادی

غیرنظامی مدیریت و ساماندهی شود. گفتنی است که «دیپلماسی اطلاعاتی دفاعی» از مهم‌ترین محورهای دیپلماسی دفاعی است. در این رابطه، بخش‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح می‌توانند ضمن تبادل اطلاعات و ایجاد همگرایی به‌منظور همکاری متقابل برای مقابله با تهدیدهای مشترک نیروهای مسلح و همچنین ایجاد ساختارها و نقاط تماس و همچنین شبکه‌های ارتباطی لازم، تأمین مأموریت‌های دفاعی را از این مجرا و با استفاده از کنشگری همکارانه و تسهیلات متقابل پیگیری نمایند. در این رابطه نیز به یقین، بخش‌های غیرنظامی امکان ورود نخواهند داشت.

۵. سیاستگذاری و اجرای دیپلماسی دفاعی: مسئولیت ارکان نیروهای مسلح

دیپلماسی دفاعی از نظر کاربردی، مشتمل بر ارتباط دادن بخش‌های نظامی کشورها و نهادهای بین‌المللی مربوط به‌منظور ایجاد تعامل و تولید اعتماد تا پرهیز از تنش بوده و ناظر بر مجموعه‌ای از کنشگری فعال در تنظیم روابط نیروهای مسلح با هم‌تایان خارجی و کمک به ایجاد فضای اعتماد و پرهیز از مخاصمه و تنش در روابط بین‌المللی است؛ روابطی که هم نیروهای مسلح در برقراری و حفظ آن، نقش مؤثری دارند و هم دیدگاه و تصمیم آنها در شکل‌گیری سیاست خارجی کلان دولت‌ها سهیم و تأثیرگذار است. این عرصه به‌عنوان بخشی از سپهر دیپلماسی ملی، متضمن مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در سطوح راهبردی، عملیاتی و راهکنشی (تاکتیکی) و حتی فنی (تکنیکی) است که از نظر گستره تأثیرگذاری، بر محیط دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی متمرکز است.

۵-۱. ترسیم کنش‌ها و نقش‌های اساسی در مدیریت ملی دیپلماسی دفاعی

در فرایند تصمیم‌گیری دیپلماسی دفاعی و مدیریت آن، نقش‌ها و مراحل مختلفی وجود دارد که پیش از توزیع مسئولیت‌ها و تعیین ساختارهای دخیل در این رابطه، لازم است نقش‌های یادشده به شکل دقیق تبیین شوند. این نقش‌ها به لحاظ ماهیتی و ذاتی،

امر تعیین کارویژه‌های نهادهای مربوط و مناسبات میان آنها را از منطق و عقلانیت کارکردی برخوردار خواهد کرد.

(۱) سیاستگذاری کلان

تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کلان در مورد دیپلماسی دفاعی، تعیین چارچوب‌های بنیادین و اساسی راجع به این موضوع است. در این روند، اصل دیپلماسی و دفاع و همچنین اصول حاکم بر آن با در نظر گرفتن هدف‌ها و منافع ملی پایه‌ریزی می‌گردد. روشن است که در این رابطه، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک کل و فارغ از مصادیق و نمودهای خاص مدنظر قرار خواهد گرفت. سیاستگذاری کلان، ارائه راهنمود و نقشه راه برای تعیین راهبردهای معین و خاص است و با این نقشه راه، همه راهبردهای منفرد و خاص، از نظمی کلی و مشترک تبعیت خواهند کرد و در راستای منفعت و هدفی واحد، قابلیت به‌کارگیری خواهند یافت. گفتنی است که سطح‌بندی این مرحله، راهبردی است که بر سطوح پائین‌دستی، اشراف و تقدم اعتباری خواهد داشت.

(۲) اجرای دیپلماسی دفاعی (سیاستگذاری)

به‌دنبال تعیین سیاست‌های کلان دیپلماسی دفاعی، باید به اجرای این سیاست‌ها و تدوین برنامه‌های عملیاتی پرداخت که این کلیات را در مصادیق معین و ویژه، به فعلیت درآورد. به تعبیر دیگر، در اجرای دیپلماسی دفاعی باید روش‌ها، ابزارها، زمان‌بندی‌ها، نوع اقدام‌ها، سطح محیطی اقدام‌ها، نوع بازیگران، اولویت‌بندی برنامه‌ها و تلاش‌های نهادینه و همه امکانات و توانمندی‌های مادی و غیرمادی بخش دفاعی متناسب با محتوای سیاستگذاری‌های کلان و با رعایت ضوابط مندرج در برنامه‌های توسعه و مقررات برنامه و بودجه دفاعی، تعیین و در فرایند فعال‌سازی قرار گیرند. اجرای دیپلماسی دفاعی، امری است که با تدوین برنامه و تصمیم‌گیری‌های میانی و عملیاتی همراه خواهد بود که

تصمیم‌های راهکنشی (تاکتیکی) و فنی (تکنیکی) نیز از همین روند نشئت خواهند گرفت. به واقع، تصمیم‌های عینی و موردی و به جریان انداختن ابتکارهای ناظر بر همکاری‌های دفاعی و مبادله‌های نیرو، تجهیزات، دانش، ایجاد و انتقال اعتماد میان نیروهای مسلح، - که به دیپلماسی دفاعی معنای عینی خواهد بخشید- همگی به منزله اجرای دیپلماسی دفاعی محسوب می‌شوند که جلوه‌ای از مدیریت دیپلماسی دفاعی می‌باشند و می‌توان آن را مدیریت اجرایی دیپلماسی دفاعی نامید.

(۳) نظارت و پایش عملکرد دیپلماسی دفاعی

برای تضمین انطباق اقدام‌های اجرایی و مصداقی دیپلماسی دفاعی با ضوابط و هدف‌های کلان ملی، و همچنین سنجش میزان اثربخشی این اقدام‌ها، تعبیه فرایند نظارت و پایش منظم نیز از مراحل ضروری تصمیم‌گیری دفاعی است. در این رابطه، افزون بر سازوکارهای پایش درونی و خودپالایی، سازوکارهای نظارت بیرونی به‌ویژه سلسله مراتبی نیز وجود دارد.

(۴) پژوهش و تصمیم‌سازی دیپلماسی دفاعی

در همه مراحل سیاستگذاری، اجرای دیپلماسی دفاعی و همچنین نظارت و پایش مبتنی بر ارزیابی عملکرد، نقش تحقیق و تصمیم‌سازی را باید مدنظر قرار داد. اتاق‌های فکر دفاعی با مذاقه و اشرافیت بر توصیف وضعیت موجود، ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌ها و همچنین آینده‌نگری و آینده‌پژوهی، قادر خواهند بود تحرک اثربخش و نتیجه‌محور هر سه مرحله یادشده را تأمین نمایند. این امر منوط به آن است که در کنار اتاق‌های فکر مستقل - که باید ارتباطشان با این فرایندها برقرار شود- اتاق فکر دیپلماسی دفاعی به‌عنوان اتاق فکر مرجع در این عرصه، به شکل وظیفه‌مند فعالیت نماید. به‌عبارتی در کنار اتاق‌های فکر اختیاری و خصوصی، باید مرکزیت تحقیق و تصمیم‌سازی دیپلماسی دفاعی

در مجموعه نیروهای مسلح - که دارای اطلاعات دقیق و انگیزه لازم برای فعالیت و همچنین مأموریت عملی است - دارای نقش و مأموریت گردد.

۲-۵. توزیع مسئولیت‌ها در مدیریت دیپلماسی دفاعی

در بند فوق، چهار نقش اساسی در مدیریت دیپلماسی دفاعی کشور - به‌عنوان عرصه‌ای از مدیریت دفاعی - تبیین شد. اکنون با در نظر گرفتن وضعیت کارویژه‌ای، مأموریت‌های قانونی، توانمندی‌های موجود، تجارب فعالیت در این زمینه می‌توان نقش نهادهای موجود و مربوط را در هر یک از آن مراحل، ترسیم و یا پیشنهاد نمود.

در مرحله سیاستگذاری کلان، نقش مقام معظم رهبری مطابق با بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلان کشور خواهد بود که این سیاست‌ها، در امور دفاعی (و از جمله دیپلماسی دفاعی) نیز خواهد بود که در این رابطه، گروه (کمیسیون) سیاسی، دفاعی و امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام و در نهایت، خود مجمع، مرجع پیشنهاددهنده این سیاست‌های کلان دفاعی خواهد بود که لازم است در آن، نظر تخصصی و کارشناسی ستادکل نیروهای مسلح و ستادفرماندهی کل قوا گرفته شود. نقش بعدی، با شورای عالی امنیت ملی است که بر اساس بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۷۶ قانون اساسی می‌تواند و باید سیاست‌های دیپلماسی دفاعی کشور را بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری تعیین و جهت اجرا به نیروهای مسلح ابلاغ نماید. در این شورا، نیروهای مسلح به‌ویژه رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرماندهان ارشد نیروهای سه‌گانه و وزیر دفاع حضور دارند و نظر تخصصی این نیروها را ابراز می‌دارند. گفتنی است که این سیاست‌ها، در سطح راهبردی خواهد بود و سطوح عملیاتی، راهکنشی (تاکتیکی) و فنی (تکنیکی) دیپلماسی دفاعی باید جزیی از مرحله «مدیریت اجرایی دیپلماسی دفاعی» تلقی شود و به نهاد مربوط به آن - که در این مقاله، وزارت دفاع تلقی شده است - محول شود.

امور اجرایی، در شأن قوه مجریه است و سیاستگذاری یا اجرای سیاست‌های دیپلماسی دفاعی کشور، بر عهده وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - به‌عنوان نماینده بخش دفاعی در دولت - است. در این رابطه، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول این است که ستادکل باید چنین نقشی را ایفا نماید، اما دیدگاه دیگر آن است که در مجموعه نیروهای مسلح، ستادکل نیروهای مسلح بر همه نیروها اشراف و نظارت عالیه دارد و سیاستگذاری فعالیت این نیروها و هماهنگی میان آنها را به انجام می‌رساند. جنس فعالیت‌های این ستاد که ناظر بر امور ستادی بخش دفاعی است، متفاوت از اجرایی کردن دیپلماسی دفاعی و اقدام‌هایی از آن نوع خواهد بود. به تعبیر دیگر، تعیین مأموریت ملاقات وزرای دفاع، انجام سفرها و ملاقات‌ها، تنظیم موافقتنامه‌های دفاعی، خرید و فروش‌های تسلیحاتی، همکاری‌های مشترک در تبادل کارشناس، آموزش‌های متقابل دفاعی، ایجاد دروس و آموزشگاه‌های مشترک نظامی، انجام و برگزاری رزمایش‌ها و اعزام نیرو برای حضور در این موارد و ... همگی اقدام‌هایی هستند که با اقدام‌های ستادی ستادکل، تفاوت دارند، هرچند ستادکل می‌تواند در این موارد، تصمیم‌هایی کلی را اتخاذ و جهت اجرا به وزارت دفاع ابلاغ نماید یا بر این فعالیت‌ها و انطباق‌شان با مصوبه‌های شورای عالی امنیت ملی یا مقام معظم رهبری، نظارت نماید. بر اساس این دیدگاه، دیپلماسی دفاعی، بخشی از روابط خارجی است و تمرکز مدیریت این روابط در دولت است، اما در مورد اینکه بخش لشکری دولت (وزارت دفاع) یا کشوری آن (وزارت امور خارجه) عهده‌دار این مسئولیت در دولت شود، باز هم دو رهیافت وجود دارد: نظر نخست این است که این امر مانند سایر ابعاد روابط خارجی باید توسط وزارت امور خارجه و دیگر نهادهای کشوری مدیریت شود و البته از بخش نظامی هم کمک گرفته شود، اما دیدگاه مطلوب و غالب در کشور آن است که اجرای دیپلماسی دفاعی به‌لحاظ ماهیتی، امری دفاعی است که باید در سازمان و ساختار دفاعی کشور مورد پیگیری قرار گیرد. این امر، نه تنها به لحاظ تخصص ضرورت دارد، بلکه حساسیت امور

نظامی ایجاب می‌کند که روابط نظامی و دفاعی در سطحی متفاوت از روابط سیاسی و نظایر آن برنامه‌ریزی و هدایت شود. از این‌رو، تمرکز این امر نباید به بخش غیرنظامی دولت منتقل شود، بلکه مدیریت بخش نظامی دولت در کنار همکاری و تعامل‌های نهادهای کشوری بنا به مورد و دستور، الگویی مناسب را در این خصوص به دست خواهد داد. گفتنی است که از نظر الگوهای موجود در جهان نیز به جز کشورهایی که فاقد نیروهای مسلح سازمان‌یافته هستند (مانند سوئیس)، استقرار مدیریت و راهبری دیپلماسی دفاعی و پیگیری‌های مستقیم و عینی یا مصداقی آن در وزارتخانه‌های دفاع کشورها، الگوی پذیرفته شده و غالب کشورهاست.

امر نظارت و پایش دیپلماسی دفاعی، پُر دامنه است و مجموعه‌ای از نهادهای مختلف را درگیر خواهد نمود. نظارت بر انطباق سیاست‌های دیپلماسی دفاعی کشور با سیاست‌های کلان ابلاغی مقام معظم رهبری، بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود و این مأموریت، از سوی مقام معظم رهبری تعیین و ابلاغ شده است، اما نظارت بر اجرای دیپلماسی دفاعی و اقدام‌هایی که وزارت دفاع در اجرای مصوبه‌های شورای عالی امنیت ملی در این زمینه انجام خواهد داد، با ستادکل و همچنین این شورا خواهد بود.

پژوهش و تحقیق در دیپلماسی دفاعی کشور نیز مأموریتی مطالعاتی مشتمل بر ارائه مبانی علمی و عملی کارشناسی تدوین برنامه‌های اجرایی دیپلماسی دفاعی و آینده‌نگری در این عرصه است که مناسب‌ترین نهاد موجود در این زمینه، مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی - در دفتر مطالعات وزارت دفاع - است که با همکاری سایر اتاق‌های فکر دفاعی کشور می‌تواند «تصمیم‌سازی» در این عرصه را تأمین نمایند.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی دفاعی هم ناظر بر به‌کارگیری ظرفیت‌های دیپلماتیک (دو و چندجانبه، موقتی و سازمان‌یافته) به‌منظور فعال‌سازی فرایند تعمیق فرصت‌ها - منافع و تقلیل تهدیدها -

مضرات تحولات محیط امنیتی بر دفاع ملی است و هم نحوه وارد کردن ملاحظه‌های دفاعی در فرایند یادشده را در گردونه‌ای از متوازن‌سازی منافع دفاعی ملی و بین‌المللی تبیین می‌نماید. هرچند هسته اصلی مفهوم دیپلماسی دفاعی را تلاش برای استمرار وضعیت‌های غیرجنگی و صلح تشکیل می‌دهد که در پرتو آن، تلاش می‌شود با نزدیک‌سازی اراده سیاسی دولت‌ها، از وقوع جنگ و درگیری پیشگیری نماید (کاربری در زمان صلح). از سوی دیگر، دیپلماسی فقط مفهومی ناظر بر ارتباط‌های بین‌الدولی نیست، بلکه در روابط بین‌المللی جهانی شده یا رو به جهانی‌شده معاصر که تکثر بازیگران و ظهور بازیگران غیردولتی، عمده‌ترین ویژگی آن است، مفهومی ناظر بر ارتباط‌های متقابل بین جوامع انسانی دولتی و غیردولتی است. (گستره فراتر از روابط بین‌الدولی) (Bolewski, 2007).

هرچند اغلب کشورها در قالب خط‌مشی سیاست خارجی خود، به روابط و همکاری‌های دفاعی نیز نظر داشته و دارند، اما هنوز تدوین سند ویژه دیپلماسی دفاعی، رهیافتی فراگیر نیست. در این میان، کانادا، استرالیا، انگلستان، آمریکا، ترکیه، مالزی، بنگلادش، سریلانکا، ویتنام، اندونزی، و ... از جمله کشورهای دارای این سند ویژه هستند. در این میان، آمریکا که پیش‌تاز راهبردنویسی در حوزه دفاعی - امنیتی است، مسئله دیپلماسی دفاعی را در سند «مرور دفاعی چهارساله» و در قالب راهبردهای کلان دفاعی خود تبیین نموده است. آنچه در این وضعیت قابل توجه است، روی آوردن اغلب دولت‌ها به دیپلماسی دفاعی برای تحقق منافع خود است. از این‌رو، نوعی نبرد یا «رقابت در دیپلماسی دفاعی» در گرفته است. افزون بر رقابت قدرت‌های جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای مانند کشورمان نیز در صدد ظرفیت‌سازی و همچنین استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود است. واپایش (کنترل) تسلیحات، خلع سلاح، عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، و مبارزه با تروریسم، از محورهای مؤکد دیپلماسی

دفاعی معاصر هستند. از این رو باید با تعیین راهبرد ملی در این رابطه، دیپلماسی دفاعی را با آگاهی و برنامه‌ریزی پیشین به این عرصه رقابت وارد نمود.

ایفای کارویژه‌های اساسی نیروهای مسلح در مدیریت بازدارندگی و واکنش به تهدیدهای علیه تمامیت ارضی می‌طلبد روابط خارجی مبتنی بر این کارویژه‌ها را بخش دفاعی طراحی نموده و مدیریت نماید. این مدیریت، از نوع دفاعی و مبتنی بر استقرار مرکز ثقل راهبردی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در حوزه سازمان دفاعی کشور است که به ظهور و پیدایش مفهوم «دیپلماسی دفاعی» به مثابه بخشی از سیاست دفاعی کشور انجامیده است. در کنار دستاوردهای موفق و مؤثر دیپلماسی دفاعی کشور، تقویت آن به‌ویژه توجه به محورهای جدید و ظرفیت‌های مهیای بهره‌گیری و همچنین ظرفیت‌سازی منطقه‌ای ضروری است. در این میان، دیپلماسی دفاعی، ابزار و شیوه‌ای است که می‌توان با تمسک به آن، گام‌هایی اساسی را برای ارائه الگوی بومی جهت پی‌ریزی ساختار دفاعی به‌خصوص در سطح منطقه‌ای برداشت (عسگری، آبان ۱۳۸۵: ۲۰). برای مثال، دریای خزر به دلیل موقعیت جغرافیایی و بهره‌مندی از منابع نفتی و ذخایر ژنتیک آبیان، در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده و به دلیل اهمیت آن در معادله‌های امنیتی است که در سال‌های گذشته روس‌ها و آمریکایی‌ها با ارائه طرح‌هایی مانند راهبرد نیروی واکنش سریع خزر و راهبرد نگهبان خزر (موسوی، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۶)، تلاش کرده‌اند تا الگوی موردنظر خود برای تأمین امنیت مشترک این منطقه اجرا نمایند. در شرایطی که هیچ یک از این دو طرح مقبولیت لازم برای کشورهای ساحلی خزر را ندارد، لازم است با بهره‌گیری از دیپلماسی دفاعی و امنیتی فعال، طرحی ایرانی نیز پیشنهاد و در مجاری گفت‌وگو قرار گیرد.

در هر حال، دیپلماسی دفاعی، هدفمند و نتیجه‌گراست و از این رو، بخش‌های غیرنظامی حتی در صورت مذاکره نیز نخواهند توانست به شکل متقن، تحقق همکاری‌های دفاعی را تضمین نمایند، پس بهترین مجرای تحقق همکاری دفاعی،

جلب اعتماد نیروهای مسلح به وسیله خود آنها و با استفاده از آداب و اصول دفاعی و با بهره‌گیری از عرف مذاکره مقام‌های عالی و نمایندگان دولت‌هاست. مذاکره وزیر دفاع با وزاری دفاع کشورهای دیگر، بیش از هر گونه رایزنی مقام‌های دیگر در امور دفاعی می‌تواند مفید باشد. در این مذاکرها، جنبه‌های تخصصی و فنی امور دفاعی نیز تنها در اشراف این نیروها می‌باشد، لحاظ می‌گردد و نیروهای مسلح، بهتر زبان و نگرانی همدیگر را درک نموده و قادر به ایجاد ارتباط و کنشگری سودمند ملی هستند. البته دیپلماسی دفاعی دارای سطوح مختلفی است که مطابق با الگوی سیاستگذاری راهبردی کشور می‌توان آن را به شرح زیر مقرر نمود:

تدوین سیاست‌های کلی دیپلماسی دفاعی: بر اساس بند ۱ اصل ۱۷۶ قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند سیاست‌های کلی نظام که بخشی از سیاست‌های دفاعی است را بر اساس سیاست‌های کلی نظام و دیگر اسناد بالادستی، تدوین و ابلاغ نماید. پیشنهاد این سیاست‌ها نیز از نظر تخصصی در گروه (کمیسیون) دفاعی این شورا و یا با ایجاد کارگروه تخصصی دیپلماسی دفاعی در دبیرخانه شورا با عضویت مقام‌های عالی نظامی کشور بنا به انتخاب فرماندهی کل قوا و همچنین وزرای امور خارجه و اطلاعات قابل بررسی کارشناسی خواهد بود.

مدیریت اجرایی و تدوین برنامه‌های اقدام دیپلماسی دفاعی: که به معنای تدوین شرح اقدام، منابع مختلف انسانی و مالی، تعیین شیوه‌ها و فناوری‌ها و نیازهای دفاعی و تعیین اولویت‌های اقدام متناسب با محیط بین‌المللی و ظرفیت‌های تعامل بین نیروهای مسلح کشور با نیروهای مسلح کشورهای دیگر است، و همچنین تعیین برنامه‌های اقدام برای حضور در سازمان‌های بین‌المللی دفاعی و یا طرح ایده‌های تأسیس و تشکیل سازمان‌های دفاع منطقه‌ای و نظایر آن است، به وزارت دفاع محول شود و مدیریت ملی در این رابطه را با رعایت اسناد بالادستی و مصوبه‌های شورای عالی امنیت ملی، بر عهده بگیرد. به منظور ارائه اطلاعات و نظریه‌ها و همچنین پیشنهاد راهکارها و سنجش محیط

بین‌المللی نیز «مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی فرماندهی کل قوا» و همچنین «مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی در وزارت دفاع» به عنوان اتاق فکر دیپلماسی دفاعی فعال گردد.

موضوع‌های دیپلماسی دفاعی نیز در همه سطوح دوجانبه یا چندجانبه، ناظر بر تبادل اطلاعات، برآوردها، نقطه‌نظرات و ایده‌های دفاعی است که طرفین اصلی و عینی این ارتباطها، نیروهای مسلح هستند. با مذاکره‌های سیاسی و از طریق نهادهای غیردفاعی نمی‌توان مبادله‌های نظامی را محقق نمود یا انجام رزمایش، تبادل کارشناس نظامی، آموزش دفاعی مشترک، طرح‌ریزی‌های مشترک دفاعی و امنیتی، تشکیل سازمان‌های دفاع منطقه‌ای، تشکیل گروه‌های (کمیسیون‌های) مشترک موقت یا دائمی دفاعی، همگرایی و ایجاد گروه‌های همفکر برای هدایت دستورکارهای دفاعی نهادهای بین‌المللی و نظایر آن را تحقق بخشید. مدیریت دیپلماسی دفاعی، دارای مراحل و مؤلفه‌هایی است که در هر مرحله، نوع اقدام متفاوت خواهد بود. تعیین مسئولیت‌ها و توزیع مأموریت‌ها در مدیریت دیپلماسی دفاعی، باید متناسب با این مؤلفه‌ها باشد. در این خصوص، به نظر می‌رسد که مدیریت وضعی کلان (تعیین سیاست‌های کلی دفاعی) با مقام معظم رهبری، مدیریت وضعی راهبردی دیپلماسی دفاعی با رعایت سیاست‌های کلان دفاعی، با شورای عالی امنیت ملی و مدیریت اجرایی این بخش از دیپلماسی، با وزارت دفاع (تحت رهنمودها و اشراف ستادکل نیروهای مسلح) خواهد بود. افزون بر این، نظارت و پایش مستقیم مدیریت اجرایی دیپلماسی دفاعی نیز با ستادکل نیروهای مسلح و از آن طریق، با شورای عالی امنیت ملی خواهد بود. ضمن اینکه در همه این فرایندها به‌ویژه تدوین برنامه‌های اجرایی دیپلماسی دفاعی، مراکز مطالعاتی راهبردی نیروهای مسلح به‌ویژه مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی فرماندهی کل قوا و همچنین مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی در وزارت دفاع، می‌توانند به‌عنوان اتاق فکر مرجع در این زمینه، فعالیت نمایند.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. انعامی، سهراب (مهر ۱۳۸۵)، دیپلماسی عمومی و جنگ نامتقارن آمریکا با نگاهی به ایران، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۴۱.
۲. پورحسین، ناصر (مهر ۱۳۸۵)، نظامی شدن سیاست خارجی آمریکا، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۴۱.
۳. ترابی، قاسم (زمستان ۱۳۸۵)، گسترش سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا در خاورمیانه و امنیت جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۱.
۴. تیلا، پروانه (بهار ۱۳۹۰)، مبنا و ماهیت دیپلماسی دفاعی از منظر وزیر دفاع، *فصلنامه دیپلماسی دفاعی*، شماره ۳.
۵. حسینی، رضا و محمدسعید حیدری (آبان ۱۳۸۹)، تحلیل سیاسی - امنیتی ابعاد گذار از جهان دولت محور به جهان چندمرکزی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۹۰.
۶. ساعد، نادر (فروردین ۱۳۸۶)، ترسیم افق‌های امور راهبردی جهان در دهه ۲۰۳۰: برداشت انگلیسی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۴۷.
۷. ساعد، نادر (زمستان ۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی: تأملی شناختی و کاوش در مبادی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۱.
۸. عسگری، محمود (دی ۱۳۸۵)، ساختار تدوین استراتژی امنیت ملی: مطالعه موردی آمریکا، انگلیس و کانادا، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۴۴.
۹. عسگری، محمود (آبان ۱۳۸۵)، دیپلماسی دفاعی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۴۲.
۱۰. عسگری، محمود (آبان ۱۳۸۶)، دکترین جمهوری اسلامی ایران، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۵۴.
۱۱. متقی، ابراهیم (پاییز ۱۳۸۹)، شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضدنظام سلطه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۰.
۱۲. وحیدی، احمد (۱۳۸۸)، برنامه سردار وحیدی برای اخذ رای اعتماد مجلس و تصدی مسئولیت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، *خبرگزاری فارس*.
۱۳. ولی‌پور زرومی، سیدحسین (اردیبهشت ۱۳۸۳)، درآمدی نظری بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، شماره ۱۲.

۲. منابع انگلیسی

1. Bolewski, Wilfried (2007), *Diplomacy and International Law in Globalized Relations*, Springer, available at: www.springer.com/cda
2. Cottey, A. and Forster, A. (2004), *Reshaping Defence Diplomacy : New Roles for Military Co-Operation and Assistance*, Oxford, Oxford University Press, *Adelphi Papers*, 365.
3. Du Plessis, Anton (1 Nov 2008), *Defence Diplomacy: Conceptual and Practical Dimensions with Specific Reference to South Africa*, Strategic Review for Southern Africa, available at: www.highbeam.com/doc/1G1-193140720.html
4. http://wiki.answers.com/Q/What_is_the_difference_between_military_diplomacy_and_defence_diplomacy#ixzz0uY4WJ18o
5. http://wiki.answers.com/Q/What_countries_use_defence_diplomacy#ixzz0uY3BEqXz
6. Koerner, Wolfgang (17 May 2006), *Security Sector Reform: Defense Diplomacy*, available at: <http://www.parl.gc.ca/Content/LOP/researchpublications/prb0612-e.htm>
7. Shea, Thimiothy (2007), *Transforming Military Diplomacy*, *JFQ*, No. 38.
8. UK Ministry of Defense (Dec. 2000), *Policy Paper, Paper no. 1: Defense Diplomacy*, Director General Corporate Communication, Design by Directorate of Corporate Communications DCCS (Media) London, available at: www.mod.uk/NR/rdonlyres/BB03F0E7-1F85-4E7B-B7EB-4F0418152932/0/polpaper1_def_dip.pdf.
9. UK White Papers on Defense and Foreign Diplomacy (Jan-Feb 2004), *Disarmament Diplomacy*, No. 75.
10. www.au.af.mil/au/awc/awcgate/jfq/1138.pdf.
11. www.canadainternational.gc.ca/cotedivoire/defence-defense/index.aspx?menu_id=82
12. www.forces.gc.ca/admpol/mtcp-eng.html.
13. www.SDF.org/defencediplomacy.htm
14. www.tbs-sct.gc.ca/rpp/2010-2011/inst/dnd/dnd01-eng.asp.
15. www.e-dipcourse.diplomacy.universityofqaran.com/The%20Military%20Diplomacy.html